گزارش

بقائی: آمریکا در دیپلماسی و مذاکره جدی نیست

شرق: سخنگوی وزارت خارجه گفت: ما هیچ‌گونه حسن‌نیت از سوی سه کشور اروپایی در طرح برخی شروط برای توقف فعال‌سازی مکانیسم ماشه نمی‌بینیم و به صورت مضاعف آمریکایی‌ها را نیز فاقد چنین حسن‌نیتی می‌بینیم، به خاطر تجربه‌ای که از آنها داریم و اتفاقات سه، چهار ماه اخیر مؤید این موضوع است. «اسماعیل بقائی» در ابتدای نشست دیروز خود بیانیه وزیر امور خارجه آمریکا درباره استقبال از فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی سه کشور اروپایی علیه ایران را رسواکننده دانست و گفت: به نظرم این بیانیه رسواکننده بود؛ چراکه در این بیانیه اعلام شد که اقدام سه کشور اروپایی در این زمینه در راستای اجرای دستورالعمل رئیس‌جمهور آمریکا بوده است. او ادامه داد: گزارش‌های رسانه‌ای در روزهای اخیر نیز بیانگر این است که اروپایی‌ها این اقدام را بنا به درخواست آمریکا و رژیم صهیونیستی انجام داده‌اند.

ادعای اروپایی‌ها درباره تعهدات برجامی ایران منافقانه و همراه با سوءنیت است

بقائی همچنین درباره ادعای اروپایی‌ها در زمینه اینکه آنها به تعهدات برجامی خود در طول سال‌های گذشته عملکرد کرده‌اند و ایران به تعهدات عمل نکرده است، گفت: این ادعایی منافقانه و همراه با سوءنیت است. سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین در پاسخ به سؤال دیگری درباره بیانیه وزیر امور خارجه آمریکا درمورد فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی اروپایی‌ها و آمادگی بر انجام مذاکره با ایران با مطرح‌کردن برخی از شروط گفت: اساسا طرح این شروط نشانه سوءنیت در یک رویکرد دیپلماتیک است. او ادامه داد: درباره آمریکا باید این واقعیت را در نظر داشته باشیم که ما در جریان یک روند دیپلماتیک با حمله آمریکا و اسرائیل مواجه شده‌ایم و نمی‌توانیم آینده را بدون تجارب قبلی به پیش ببریم. بقائی گفت: آمریکا چندین بار تاکنون روندهای دیپلماتیک را به هم زده است، ازجمله با خارج‌شدن از برجام یا اینکه هم‌زمان با روند مذاکراتی، رژیم صهیونیستی با هماهنگی آمریکا به ایران حمله کرد. او ادامه داد: این تحولات نشان می‌دهد که آمریکا از همان ابتدا حسن‌نیت نداشته است. سخنگوی وزارت خارجه همچنین گفت: استقبال وزیر خارجه آمریکا از فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی کشورهای اروپایی و توصیف این اقدام در راستای اجرای دستور رئیس‌جمهور آمریکا، نشان می‌دهد که مقامات آمریکایی از همان ابتدای ورود به کاخ سفید به دنبال برهم‌زدن برجام و تحمیل فشارهای غیرقانونی به ایران بوده‌اند.

اقدامی که در غزه در جریان است، ادامه نسل‌کشی است

بقائی در پاسخ به سؤالی درباره طرح‌های آمریکا برای کوچاندن مردم غزه گفت: اقدامی که در غزه در جریان است، ادامه نسل‌کشی است. سکونت‌ناپذیر کردن ۹۰ درصد از باریکه غزه و تحمیل قحطی برای این است که ساکنان را از سرزمین اصلی خود بیرون کنند. هر فرد، کشور یا جریانی که با این توطئه و طرح امحای جمعی مردم فلسطین همراهی کند، همدست جنایت تلقی می‌شود. نهادهای حقوق‌بشری و سازمان‌های بین‌المللی وظیفه سنگینی دارند. مباحث مطرح‌شده در رسانه‌ها، چیزی نیست جز ادامه طرحی که رژیم صهیونیستی با همراهی آمریکا و کشورهای غربی طراحی کرده و در دو سال اخیر در حال اجرای آن بوده است.

درحال‌حاضر بازرسی در ایران حضور ندارد

بقائی درباره روند مذاکرات ایران و آژانس گفت: تا الان تصمیمی درباره ادامه دو دور مذاکره با آژانس گرفته نشده است. حتما اقدام سه کشور اروپایی آثار خود را در سایر حوزه‌ها نشان داده و خواهد داد. این اقدام آنها از لحاظ قانونی مبنایی نداشته است. تاکنون دو دور مذاکره با آژانس برگزار شده است. نتیجه مشخص و نهایی تا الان نداشتیم. ورود دو بازرس آژانس برای بارگذاری سوخت رآکتور اتمی بوشهر بود که طبق مقررات و عرف باید انجام می‌شد. درحال‌حاضر بازرسی در ایران حضور ندارد. تماس‌ها با آژانس در سطح نمایندگی برقرار است و ادامه دارد، اما درباره تدوین شیوه‌نامه تعامل بعد از تحولات جدید و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، در چارچوب مصوبه مجلس کار نهایی نشده و در مرحله تصمیم‌گیری هستیم. سخنگوی وزارت خارجه در ادامه با ارائه گزارشی از سفر رئیس‌جمهور به چین برای شرکت در اجلاس شانگهای گفت: یکی از مهم‌ترین تحولات در این نشست، مصوبه این اجلاس بود. این مصوبه از جهات مختلف دارای اهمیت است و برای ما موضوع مهم‌تر در این زمینه محکومیت حمله آمریکا و اسرائیل به ایران و تأکید بر قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در این نشست بود.

توافق ۲۵ساله با چین بدون تأثیرپذیری از مباحث حاشیه‌ای، کار خود را ادامه می‌دهد

سخنگوی وزارت خارجه ایران در پاسخ به سؤالی درباره احتمال توافقات ایران و چین در حوزه نفتی پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، گفت: ما با چین رابطه حسنه‌ای داریم. قرارداد همکاری ۲۵ساله، بحث‌های انرژی را هم شامل می‌شود. این توافق‌نامه بدون تأثیرپذیری از مباحث حاشیه‌ای، کار خود را ادامه می‌دهد. روسیه و چین هم با این اقدام اروپا مخالفت کرده‌اند. او ادامه داد: ما عضو سازمان‌های بریکس و شانگهای هستیم و انتظار هر عضو این است که تعاملات بدون تحولات بیرونی و فشارهای غیرقانونی ادامه یابد. ما به استحکام روابط و برنامه‌های دو کشور درباره گسترش روابط خوش‌بین هستیم. بقائی درباره برنامه ارتش چین برای برگزاری رژه نظامی و شرکت رئیس‌جمهور ایران در این نشست، گفت: این یکی از بخش‌های پیش‌بین‌شده از سوی میزبان است. در ادامه نشست شانگهای، این رویداد قرار است برگزار شود. این رویداد به نوعی یادآوری تحولات دردناک گذشته و مشوقی است برای تمام کشورها و تلاش مشترکی برای جلوگیری از وقوع مصیبت‌ها و جنگ‌هایی است که هر فرد سلیم‌النفسی دوست ندارد تکرار شود.

نقش چین در ۲ سازمان بریکس و شانگهای مهم و اثرگذار است

سخنگوی وزارت خارجه همچنین در پاسخ به سؤال یک خبرنگار چینی درباره اهمیت سازمان شانگهای و نقش آن در تحولات عرصه بین‌الملل گفت: تشکیل سازمان شانگهای در راستای منشور سازمان ملل بوده و درواقع ایجاد ترتیبات منطقه‌ای برای گسترش صلح و امنیت در عرصه جهانی و منطقه‌ای در منشور سازمان ملل پیش‌بینی شده است. بقائی ادامه داد: نقش سازمان‌هایی مانند شانگهای و بریکس در گسترش چندجانبه‌گرایی، صیانت از قانون و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها مهم است. سخنگوی وزارت خارجه افزود: نقش چین در دو سازمان بریکس و شانگهای به دلیل جایگاهش در جهان جنوب و عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل و... مهم و اثرگذار است.

اخبار درباره میانجیگر جدید دقیق نیست

سخنگوی وزارت خارجه همچنین در پاسخ به سؤالی درباره برخی از تحولات از جمله رایزنی‌های گسترده وزیر خارجه مصر با مقامات آمریکایی و همچنین اروپایی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در موضوع پرونده هسته‌ای ایران و اینکه آیا مصر از این ظرفیت برخوردار است که بخواهد نقش میانجی را ایفا کند، به‌ویژه در زمینه روابط ایران و آژانس با توجه به برخی از تحلیل‌های منتشرشده در این زمینه در رسانه‌ها، گفت: حرف‌هایی که این روزها درباره میانجیگر جدید ازجمله درباره روابط ایران و آژانس می‌زنند، دقیق نیست.

ادامه در صفحه ۳

محمد هاشمی رفسنجانی در گفت‌وگو با «شرق» از معادلات سیاست داخلی و خارجی در سال دوم دولت چهاردهم می‌گوید

در تقاطع بحران و امید

عبدالرحمن فتح‌الهی: دولت چهاردهم (از زمان آغاز به کار کابینه)، فقط ۱۲ روز است که پای در سال دوم خود نهاده، اما این ورود نه یادآور آغاز فصلی تازه که نشانگر ورود به مرحله‌ای پیچیده‌تر و حساس‌تر است. هم‌زمانی این مقطع با انباشت بحران‌های درونی و بیرونی، فضایی شکننده پدید آورده که کمتر مجال خطا باقی می‌گذارد. در جبهه داخلی، فشارهای معیشتی، کسری مزمن بودجه، مطالبات اجتماعی انباشته، بحران ساختاری اقتصاد و تشدید ناترازی انرژی و خشک‌سالی، همچون زنجیره‌ای به‌هم‌پیوسته بر دوش دولت سنگینی می‌کند. در بیرون نیز تداوم پیامدهای تجاوز اخیر اسرائیل به خاک کشور و افزایش تنش‌های منطقه‌ای، عرصه سیاست خارجی را به صحنه‌ای دشوار و پرریسک بدل کرده است. در این میان، اقدام مخرب سه کشور اروپایی در هفته گذشته و ارسال نامه به شورای امنیت برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه، لحظه‌ای سرنوشت‌ساز در این مسیر به شمار می‌رود. چهار هفته آینده، تا زمان بررسی و احتمال بازگشت تحریم‌ها در شورای امنیت، به‌مثابه روزهایی حیاتی است؛ چراکه تصمیمات این مقطع می‌تواند سمت‌وسوی مذاکرات و حتی افق سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک کشور را رقم بزند. برای آنکه تصویری روشن‌تر از موقعیت کنونی دولت چهاردهم، پس از گذر از نخستین سال فعالیت خود، به دست آوریم و دریابیم که این دولت در عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی دقیقا در چه نقطه‌ای ایستاده است، به گفت‌وگویی با محمد هاشمی‌رفسنجانی نشسته‌ایم تا تحلیل این عضو پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام را جویا شویم.

●●●

۱۴ ماه از انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم می‌گذرد و تقریبا یک‌سالگی عمر کابینه پزشکیان با بحران‌هایی در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی همراه شده است. از این رو، گفت‌وگو با حضرت‌عالی به هر دو حوزه بازمی‌گردد. ابتدا از سیاست خارجی شروع کنیم. در حالی دولت چهاردهم ۱۲ روز است وارد دومین سال عمر خود شده که با بحران فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های شورای امنیت مواجه است. از سوی دیگر، شرایط پساجنگ ۱۲روزه نیز معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به نقطه‌ای شکننده رسانده است. با وجود این، فضای کنونی با شعارهایی که مسعود پزشکیان در دوران رقابت‌های انتخاباتی مطرح کرده بود، فاصله ملموسی دارد و این موضوع، انتقاد جدی طیفی از حامیانش را در طول این یک سال به دنبال داشته است. به باور شما، چرا به این نقطه رسیدیم؟

سؤال نخست شما با پیش‌فرض‌هایی همراه است که من اساسا با آنها موافق نیستم.

چرا؟

چون برخلاف آنچه عنوان کردید، من اصلا اعتقاد ندارم که فضای کنونی سیاست خارجی فاصله جدی و معناداری با شعارهای مسعود پزشکیان در دوره رقابت‌های انتخاباتی دارد.

برخی برخلاف آنچه عنوان کردید، این‌گونه تصور می‌کنند...

اگر از من می‌پرسید، من چنین برداشتی ندارم. اجازه دهید نگاهی کلی به وضعیت کنونی در سیاست خارجی داشته باشیم تا ببینیم ما الان کجا ایستاده‌ایم. الان روابط ما با همسایگان بسیار خوب و حسنه است و مناسبات اقتصادی و تجاری با تعدادی از آنها نیز بسیار چشمگیر است. ضمن اینکه در پیمان‌های سیاسی و دیپلماتیک منطقه‌ای، ایران حضور پررنگی دارد. علاوه بر این، روابط ما با کشورهای حاشیه خلیج فارس طی سال‌های گذشته دوباره از سر گرفته شده است. علاوه بر عمان و قطر، اکنون روابط خوب و حسنه‌ای با عربستان، بحرین، امارات و کویت داریم. هرچند این روابط فعلا در حوزه سیاسی و دیپلماتیک است و هنوز خروجی اقتصادی و تجاری برای ما نداشته، اما با این روند، احتمالا طی سال‌های آینده روابط اقتصادی نیز با آنها از سر گرفته خواهد شد.

پس وضعیت منطقه‌ای ما و روابط با همسایگان بسیار خوب است. از طرف دیگر، ما یک قرارداد راهبردی ۲۵ساله با چین داریم و طبق همین توافق، قرار است چینی‌ها ۱۰۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کنند. البته هنوز محتوا، مفاد و جزئیات این توافق ۲۵ساله منتشر نشده است، اما توافق خوبی به نظر می‌رسد. یک قرارداد مشابه ۲۰ساله نیز با روسیه داریم که اخیرا دکتر پزشکیان آن را رسما امضا کرد و قرار است در حوزه‌های اقتصادی و تجاری گام‌های خوب و مثبتی از سوی هر دو طرف، یعنی تهران و مسکو، برداشته شود. بنابراین، سیاست خارجی منطقه‌ای ما فراگیرتر شده است و وقتی آن را با سال‌های قبل مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم در این یک سال که دولت چهاردهم روی کار آمده، به شکل فعالی ظاهر شده و زمینه‌های متنوعی برای همکاری‌های منطقه‌ای با کشورهای دوست و همسایه ایجاد کرده و شرایط برای همکاری‌های منطقه‌ای و دوجانبه شکل گرفته است.

بدون تعارف، تصویری فانتزی از سیاست خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران ترسیم کردید. فراموش نکنیم که توافق سه‌جانبه ارمنستان، آذربایجان و آمریکا و معادلات قفقاز جنوبی ذیل پارامتر جدیدی به نام «مسیر ترامپ» با همان کریدور زنگزور، شرایط ما را در مرزهای شمالی حساس کرده است. رقابت‌های ما با ترکیه هم بماند. بحران با طالبان در افغانستان نیز سر جای خود است. همان‌طورکه به‌درستی اشاره کردید، روابط ما با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس صرفا در حوزه دیپلماتیک تعریف شده است. ضمن اینکه سفر آقای لاریجانی به عنوان دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی به عراق و لبنان نیز خود گویای معادلات جدیدی علیه تهران است که بدون شک با محوریت آمریکا و اسرائیل در حال پیگیری است. بنابراین برخلاف آنچه...

اتفاقا نکته همین چیزی است که در آخر گفتید. آمریکا و اسرائیل تکلیفشان کاملا روشن است، چون هر دو دشمن هستند. نمی‌توان از دشمن انتظار دوستی داشت. آنها سعی می‌کنند معادلات منطقه‌ای و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به نقطه‌ای متزلزل برسانند و ما را دچار انزوا کنند و روابط ما در منطقه و جهان تضعیف شود. اما مسئله ما چیز دیگری است. قطعا باید متناسب با برخورد دشمنان رفتار کنیم. بدون شک دست ما بسته نیست و ابزارها، امکانات و ظرفیت‌های لازم را داریم. ما می‌توانیم یک سیاست خارجی منطقه‌ای قابل دفاع را تبیین کرده و پیش ببریم. کمااینکه در پاسخ به سؤال اول عنوان کردم، اکنون سیاست خارجی منطقه‌ای ما، به‌ویژه در این یک سال که دولت پزشکیان روی کار آمده، با وجود برخی دشمنی‌ها و جنگ اخیر، به نقطه خوبی رسیده است.

همین‌جا توقف کنیم. به جنگ ۱۲روزه و تبعات آن اشاره کردیم. طیفی از ناظران معتقدند ما در آتش‌بس با آمریکا و اسرائیل قرار نداریم، بلکه یک ترک مخاصمه مطرح است. ازاین‌رو فضا برای جنگ دوباره وجود دارد. پیرو این نکته، این احتمال مطرح است که در صورت بازگشت تحریم‌ها پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، باید منتظر ماجراجویی دوباره اسرائیل و آمریکا بود. آیا محمد هاشمی‌رفسنجانی نیز به این گزاره قائل است؟

بله، این احتمال وجود دارد. در پاسخ به سؤال قبلی گفتم آمریکا و اسرائیل دشمن ما هستند و از دشمن انتظار زیادی وجود ندارد. آنها به دنبال ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی ایران هستند. بنابراین باید منتظر هرگونه اقدام مخربی از جانب آنها باشیم. اما مسئله اینجاست که ما باید آمادگی خود را حفظ کنیم و به هرگونه تجاوز، پاسخ جدی و قاطع بدهیم. کمااینکه مقامات بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که جمهوری اسلامی ایران خواهان جنگ نیست، چون ما جنگ‌طلب نیستیم و در تاریخ هم هیچ جنگی را آغاز نکرده‌ایم. ما جنگ نمی‌خواهیم، اما در دفاع از منافع و امنیت خودمان کوتاه نمی‌آییم. پس پاسخ به هرگونه تجاوز و ماجراجویی بسیار سخت خواهد بود، چون در دفاع از کشور با هیچ‌کس تعارف نداریم.

با این گفته شما، حالا اگر مکانیسم ماشه نهایتا فعال شود و قطع‌نامه‌ها و تحریم‌ها بازگردند، می‌توان تصور کرد که شاهد ماجراجویی جدیدی باشیم؟ یعنی امکان دارد این بهانه‌ای برای تجاوز مجدد باشد؟ به عبارت روشن‌تر، آیا بازگشت قطع‌نامه‌ها لزوما به معنای جنگ جدید خواهد بود؟

نمی‌توان با قاطعیت گفت که اگر مکانیسم ماشه فعال شود و قطع‌نامه‌ها بازگردند، جنگ دوباره شکل خواهد گرفت. اما این نکته بدیهی است که منطقه دیگر پتانسیل یک درگیری تازه را ندارد. همان‌طورکه گفتم و دوباره تأکید می‌کنم، ایران هیچ‌گاه آغازکننده هیچ جنگی نبوده، اما در دفاع از منافع، امنیت ملی و تمامیت ارضی خود با هیچ‌کس تعارف ندارد. پس اگر خدای‌ناکرده بعد از بازگشت قطع‌نامه‌ها شاهد جنگ جدیدی باشیم، تنها دامن ایران را نمی‌گیرد، بلکه کل منطقه به آشوب کشیده خواهد شد. شرایط اکنون در منطقه مانند گذشته نیست. جنگ تنها متوجه ایران نمی‌شود، بلکه تبعات و آثار آن به کل منطقه سرایت پیدا می‌کند. در همان تجربه جنگ ۱۲روزه دیدید که کشورهای عربی منطقه چقدر تلاش کردند اسرائیل را مهار کنند. اکنون هم به باور من، کشورهایی که در منطقه ذی‌نفع هستند، اجازه تجاوز مجدد را به اسرائیل نمی‌دهند و از هر تلاش و ابتکاری استفاده خواهند کرد تا مانع جنگ دوباره شوند. ضمنا به نظر من، این کشورها در همین چند هفته‌ای که تا بازگشت قطع‌نامه‌ها علیه ایران فرصت باقی است، سعی خواهند کرد به نحوی شرایط را برای رسیدن به یک توافق مطلوب فراهم کنند تا نه‌تنها از بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های شورای امنیت جلوگیری شود، بلکه فضا یا بهانه‌ای برای تجاوز دوباره اسرائیل فراهم نشود. این کشورها به صلح، ثبات و امنیت پایدار در منطقه نیاز دارند، چون اهداف اقتصادی و تجاری برای خود طراحی کرده‌اند.

پس جا دارد این را هم بپرسم که آیا محمد هاشمی‌رفسنجانی معتقد است که در این چهار هفته، تهران بتواند با ابتکارات دیپلماتیک مانع از بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت شود؟ یعنی راه‌حلی وجود دارد یا اینکه حضرت‌عالی اذعان دارید که در نهایت شاهد بازگشت قطع‌نامه‌ها خواهیم بود؟

دولت‌های اروپایی برخلاف تعهدات برجامی، مکانیسم ماشه را فعال کرده‌اند. اما با وجود این رفتار خلاف مفاد برجام، تهران کماکان به دنبال تعامل، مذاکره و همکاری است. تا اینجا، اروپایی‌ها چند شرط داشتند؛ اول، همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دوم، تعیین تکلیف اورانیوم غنی‌شده. ایران از یک سو اجازه داده است که بازرسان آژانس در نیروگاه اتمی بوشهر مستقر شوند و قرار است در یک شیوه‌نامه جدید، فصل تازه‌ای از همکاری‌های بین تهران و آژانس طراحی شود. گویا قرار است بازرسان دیگری نیز وارد کشور شوند و طبق همین شیوه‌نامه، موضوعاتی مانند اورانیوم غنی‌شده و مسائل دیگر حل‌وفصل شود. اگر دولت‌های اروپایی دوباره نخواهند رفتار سیاسی از خود نشان دهند و بهانه‌جویی نکنند، امکان دارد در چند هفته آینده این مسئله حل‌وفصل شود. اما اگر اروپایی‌ها تحت فشار نتانیاهو، ترامپ یا هر هدف دیگری به‌دنبال بهانه‌جویی باشند، طبیعتا مسائلی مانند مذاکره با آمریکا یا سایر پیش‌شرط‌ها می‌تواند بحران فعلی را تشدید کند. به هر حال ایران نمی‌تواند خود را ملزم کند که هر پیش‌شرط یا بهانه‌ای از سوی اروپایی‌ها را بپذیرد و عملیاتی کند.

به توافق راهبردی ۲۵ساله ایران و چین و همچنین توافق ۲۰ساله ایران و روسیه اشاره کردید، آن‌هم در شرایطی که مسعود پزشکیان برای حضور در اجلاس سران شانگهای و شانگهای پلاس به چین سفر کرد. با وجود نکته‌ای که شما مطرح کردید، طیفی از ناظران معتقدند نه این‌دست توافقات سودی برای کشور در شرایط کنونی دارد و نه پیوستن ایران به پیمان‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند شانگهای، اکو، بریکس و آسه‌آن می‌تواند آورده‌ای برای کشور داشته باشد، چون تا زمانی که کشور زیر سایه تحریم‌ها و لیست سیاه اف‌ای‌تی‌اف باشد، عملا اتفاق خاصی رخ نخواهد داد؟

همان‌طورکه از نام توافقات برمی‌آید، ما یک توافق ۲۵ساله با چین و یک توافق ۲۰ساله با روسیه بسته‌ایم. توافق با روسیه همین سال گذشته بین آقای پزشکیان و پوتین امضا شد. پس این‌گونه نیست که ما امروز توافق امضا کنیم و فردا منتظر خروجی اقتصادی و تجاری آن باشیم. این‌دست موافقت‌نامه‌های راهبردی زمان‌بر هستند. برای به بار نشستن این توافقات، به یک زمان چندساله نیاز داریم. فراموش نکنید که دولت دکتر پزشکیان تازه وارد دومین سال خود شده است، یعنی یک سال از عمر این دولت گذشته است، اما اراده جدی برای به بار نشستن این توافقات وجود دارد. ضمن اینکه فراموش نکنیم دشمنان ایران اسلامی به دنبال آن هستند که از هر ابزاری مانند تحریم‌ها یا محدودیت‌های بانکی استفاده کنند تا ما نتوانیم در ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یا پیمان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به نتایج مثبت دست پیدا کنیم. اما معادلات ما باید کاملا متفاوت باشد. ما یک سیاست خارجی مستقل داریم و باید براساس‌آن عمل کنیم.

با این حال، سایه سنگین فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بیم از بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت در چهار هفته پیش‌رو، گویای فضای دیگری است؟

بله، مکانیسم ماشه در روزهای اخیر باعث اتفاقاتی در بازارهای ایران شده است. ولی باید قدری عمیق‌تر نگاه کنیم. واقعا اروپایی‌ها در پرونده هسته‌ای بسیار بد عمل کردند. آلمان، فرانسه و انگلستان با وجود آنکه عضو برجام بودند و طبق برجام تعهداتی را پذیرفتند، هیچ‌گاه، نه در دولت اول ترامپ، نه در دولت بایدن و نه در دولت دوم ترامپ به این تعهدات عمل نکردند. حالا در یک فرار رو به جلو، به مکانیسم ماشه متوسل شده‌اند تا تهران را مجبور کنند به تعهدات خود ذیل برجام عمل کند، درحالی‌که خودشان به تعهدات‌شان عمل نکردند. این یک سوءاستفاده آشکار از توافق چندجانبه بین ایران و ۵+۱ بود. این نتیجه فشار اسرائیل و آمریکاست. ضمن اینکه فراموش نکنیم این دولت‌های اروپایی که اکنون مکانیسم ماشه را علیه ما فعال کرده‌اند، در طول تاریخ هم پرونده روشنی برای ما نداشتند. پس پاریس، برلین و لندن تحت فشار نتانیاهو و ترامپ، برخلاف مفاد برجام عمل می‌کنند. از زمانی که ترامپ در دولت اولش از برجام خارج شد، تقریبا اروپایی‌ها هم هیچ‌گونه تعهدی را عملی نکردند و این یک اشکال اساسی بود. قرار نبود ایران همه بار تعهد و مسئولیت را در برجام بپذیرد، اما مزایا و امتیازات آن را دیگر کشورها ببرند.

به بخشی از سؤال نخست گفت‌وگو با حضرت‌عالی بازگردیم. آیا واقعا نقطه کنونی که دولت چهاردهم در آن ایستاده، همان چیزی است که مسعود پزشکیان در انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری ذیل شعارهای انتخاباتی و وعده‌هایش مطرح کرده بود؟ آیا فاصله ملموسی بین نقطه موعود و نقطه کنونی احساس نمی‌کنید؟

وقتی از واقعیت سخن می‌گویید، باید واقعیات را هم در نظر بگیرید. درست است که دکتر پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته وعده‌های انتخاباتی متعددی را از سیاست خارجی تا سیاست داخلی مطرح کرد. ولی به نظر من، به بسیاری از آن وعده‌ها، بنا بر اختیارات و توانایی‌های ریاست‌جمهوری، عمل کرده است. حتی جاهایی حاضر شد هزینه و تبعات برخی اصلاحات و اقدامات را شخصا بپذیرد. تا اینجا، من کارنامه دکتر پزشکیان را قابل دفاع می‌دانم و نقطه کنونی تا حد بسیار زیادی، همان چیزی است که پزشکیان وعده داده بود. ضمنا ما نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن معادلات جنگی و امنیتی در یک سال گذشته به کارنامه دکتر پزشکیان نگاه کنیم. کدام دولت را سراغ دارید که روز اولش با ترور رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران آغاز شود؟ بعد از آن هم تاکنون شاهد سلسله کنش‌ها و واکنش‌ها و در نهایت جنگ ۱۲روزه هم بودیم. اما به هر حال، پزشکیان در همین شرایط جنگی توانست اقدامات درخور و شایسته‌ای انجام دهد. از سوی دیگر فراموش نکنیم که دکتر پزشکیان رابطه بسیار خوبی با مقام معظم رهبری دارد و همچنین روابط مناسبی با رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس دارد. کم‌وبیش همین رابطه خوب و حسنه با سایر ارگان‌ها و نهادها نیز برقرار است. سپاه و ارتش، بسیج و نیروی انتظامی هم با توانایی‌ها و نیروهای خود، حمایت خوبی طی یک سال گذشته از دولت چهاردهم داشتند. دیگر نهادها و بنگاه‌های اقتصادی و تجاری داخلی نیز کم‌وبیش به دنبال تعامل با دولت هستند. ضمن اینکه دکتر پزشکیان روابط متوازن و خوبی با اصلاح‌طلبان، اصولگرایان، مستقلین و دیگر جریان‌های سیاسی دارد. این در حالی است که دولت‌های قبلی روابط خود را تا حدی روی روابط جناحی تنظیم می‌کردند و عموما کمتر نگاهی فراجناحی داشتند. همان‌گونه که استحضار دارید، در دولت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی همین نگاه فراجناحی مطرح بود و اکنون هم به نظر من، دکتر پزشکیان همان مسیر فراجناحی را پیموده است.

ترکیب کابینه و اعضای دولت تقریبا فراجناحی است و سعی شده از متخصصان و تکنوکرات‌های هر حوزه در وزارتخانه‌ها استفاده شود. پس، هم ترکیب کابینه فراجناحی است و هم رفتار خود دکتر پزشکیان یک رفتار فراجناحی و فراحزبی است. جلساتی هم که رئیس‌جمهور برگزار می‌کند، نشان می‌دهد که پزشکیان برخوردی فراحزبی دارد. می‌بینید که رئیس‌جمهور در این یک سال مرتب این جمله را تکرار می‌کند که «دولت با کسی دعوا ندارد و برای خدمت به مردم آمده است و هرکسی که بتواند کمکی در راه خدمت به مردم انجام دهد، پای کار بیاید». اما اینجا ما شاهد دو برخورد با ادبیات رئیس‌جمهور هستیم؛ یک برخورد انتقادآمیز و برخورد دوم از جنس تعامل، همراهی، همکاری، همفکری و همسویی که کاملا هم طبیعی است. بنابراین من در مجموع، فاصله نقطه کنونی را با آنچه دکتر پزشکیان وعده داده بود، خیلی زیاد نمی‌دانم.

ادامه در صفحه ۳

یک نکته، یک نظر

نکاتی درباره غنی‌سازی

احمد شیرزاد

در چند یادداشت کوتاه تلاش می‌کنم نکاتی را درباره مسئله پیچیده غنی‌سازی که مبتلابه کشور ماست بیان کنم. قالب نوشته به‌صورت پاسخ به چند سؤال است.

سؤال مقدماتی: غنی‌سازی اصولا یعنی چه؟

پاسخ: اورانیوم یکی از عناصر بسیار کمیاب طبیعت است. اما همان مقدار کم هم بیشتر به صورت اورانیوم ۲۳۸ است که غیرفعال است؛ یعنی تابش ندارد و پایدار است. البته همان اورانیوم ۲۳۸ را هم به دلیل چگالی بسیار بالا در برخی از سلاح‌ها و بمب‌های سنگرشکن استفاده می‌کنند. نوعی از اورانیوم که ارزشمند است اورانیوم ۲۳۵ است که فقط کمتر از نیم‌درصد اورانیوم طبیعی را تشکیل می‌دهد. بنابراین برای کاربردهای مختلف باید مقدار آن را بالا برد. مثلا برای استفاده در نیروگاه‌های هسته‌ای باید غنای آن را از نیم‌درصد به حدود چهار تا پنج درصد رساند.

درصدهای بالاتر هم کاربردهایی دارند. مثلا برای تولید رادیوداروها به چشمه‌هایی با غنای بیش از ۲۰ درصد نیاز است. برای کاربردهای تسلیحاتی اورانیوم باید به غنای بالای ۹۰ درصد برسد که این کار به لحاظ تکنیکی بسیار دشوار و پرمخاطره است.

سؤال دوم: چرا غنی‌سازی در سطح جهانی یک مسئله سیاسی-امنیتی است؟

پاسخ: از پاسخ ارائه‌شده در سؤال قبلی روشن است که اگر کشوری بتواند از پس نخستین گام غنی‌سازی برآید، می‌تواند این فرایند را ادامه دهد و به اورانیوم با غنای بسیار بالا که دارای کاربرد تسلیحاتی است برسد. بنابراین چنین کشوری اگر بخواهد در مسیر استفاده نظامی از فناوری هسته‌ای قرار گیرد، بخش قابل توجهی از مسیر و در واقع دشوارترین بخش آن را طی کرده است.

سؤال سوم: آیا پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موسوم به «ان‌پی‌تی» پیمانی انسانی و صلح‌جویانه است؟

پاسخ: تصور دنیایی که در آن همه کشورهای کوچک و بزرگ دنیا مسلح به سلاح‌های مرگ‌بار هسته‌ای باشند وحشتناک است. واقعیت تلخ آن است که دنیای ما پر است از دیوانگانی مثل ترامپ، نتانیاهو، صدام حسین، القاعده و... اگر هریک از این دیوانگان دستش بر ماشه سلاح هسته‌ای باشد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. بنابراین خیرخواهان و صلح‌دوستان جهان به فکر منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای افتادند. اما در این میان متأسفانه زورشان به کشورهایی که از قبل به سلاح هسته‌ای مسلح بودند نرسید. به این ترتیب به نوعی پذیرفته شد که فعلا وجود چند کشور هسته‌ای را بپذیرند، به امید آنکه در آینده با پیمان‌های صلح و گفت‌وگوهای دوجانبه و چندجانبه از حجم زرادخانه‌های هسته‌ای جهان کاسته شود. کارهایی هم انجام شد که از حوصله بحث ما خارج است.

بنابراین پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در جای خود پدیده‌ای بشردوستانه و امنیت‌آفرین است؛ اما متأسفانه نفوذ قدرت‌های جهانی و سوءاستفاده آنها از نهاد بین‌المللی مسئول این امر، یعنی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، باعث شده است اولا از این پیمان در راستای اهداف و منافع کشورهای خاص برای فشار به کشورهای مستقل استفاده شود و ثانیا تیغ مقررات آژانس برای کنترل و محدودکردن قدرت کشورهای هسته‌ای موجود، کُند باشد.